



عصر طلایی
را طعمش

محت
ساز
انگیز
رفاه
ساز
ساز
ساز
ساز

عصر ظلال

تألیف
جمعی از محققین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به پیشگاه

« ابا صالح المهدی علیه السلام »

که مشتاقانه چشم به راهش دوخته ایم تا که ساعت ظهور فرارسد
و آنگاه خویش را با دست پر

منتظری یابیم که

در میقات ظهور به میعاد نور آمده است تا
جاء الحق را نظاره گر باشد و زهق الباطل را.

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۱	۱. کعبه جانها
۱۳	۲. خورشید الهی
۱۴	۳. موعود روزگاران
۱۶	۴. بهشت زمینیان
۱۸	۵. اشتیاق و نیایش
۲۱	۶. بهای دیدار
۲۴	۷. سیمای ظهور
۲۶	۸. حجت الهی
۳۳	اصالت مهدویت
۳۵	برقراری عدالت
۳۷	همراهی طبیعت
۳۸	رفاه اقتصادی
۴۰	رفاه اجتماعی
۴۱	تشکیل حکومت واحد جهانی
۴۲	گسترش تشیع در سراسر گیتی

- ۴۳ رغبت و رو آوری مردم و اهل ادیان به دین و دیانت
- ۴۴ تداوم حکومت صالحین بر کره زمین تا روز قیامت
- ۴۵ مشخصات حاکمین در حکومت صالحین
- ۵۷ پیشرفت علم و دانش
- ۵۹ بهداشت و سلامت همگانی
- ۶۰ ایجاد امنیت
- ۶۱ بهبود محاسن اخلاقی و قوه‌های عقلانی
- ۶۲ از بین رفتن اندوه، اختلاف و گرفتاری و نشر رأفت
- ۶۳ شادی همگانی از ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۵ نجوا با مولایمان حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

آنچه پیش رو دارید طرحواره مفاهیم علمی نمایشگاهی است که در زمینه دوران باشکوه حکومت امام عصر اروحنا فداه "عصر طلایی ظهور" چند سال پیایی در ایام فرخنده نیمه شعبان برگزار شده است.

در این نمایشگاه غرفه‌هایی وجود داشت که هر یک به شکل نمادین، جلوه‌های مختلف دوران ظهور را به نمایش، بحث و گفتگو می‌گذاشتند، هر غرفه، عنوانی داشت و راهنمایی برای بازدیدکنندگان، ویژگیها و ابعاد آن جلوه خاص را به بیانی شیوا و صمیمی و با استفاده از فضای هنری متناسب با آن غرفه تبیین می‌نمود به طوریکه در مجموع، هر بازدیدکننده پس از دیدار از نمایشگاه، تصویری زیبا، مستند و شیرین از دوران ظهور که آن را "بهشت دنیوی" نامیده‌اند، حس می‌نمود و این بار با آگاهی افزونتری از آن دورنمای روشن، ظهور مولایش را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمود تا بتواند شاهد آن همه خوبی، زیبایی و شکوه باشد.

آن نمایشگاه شامل این غرفه‌ها بود:

۱- اصالت مهدویت

۲- برقراری عدالت

۳- همراهی طبیعت

۴- رفاه اقتصادی

۵- رفاه اجتماعی

۶- تشکیل حکومت واحد جهانی

۷- گسترش تشیع در سراسر گیتی

۸- رغبت مردم به دین و گسترش عبودیت

۹- ویژگی حاکمین در حکومت صالحین

۱۰- تداوم حکومت صالحین

۱۱- پیشرفت علم و دانش

۱۲- بهداشت و سلامت همگانی

۱۳- ایجاد امنیت

۱۴- بهبود محاسن اخلاقی و تقویت قوه‌های عقلانی

۱۵- از بین رفتن اندوه، اختلاف و گرفتاری

۱۶- شادی همگانی از ظهور و حکومت حضرت مهدی

سلام‌الله‌علیه

۱۷- نجوا و نیایش

لازم به تذکر است که با همکاری هنرمندان، فضای هر غرفه

با کمک نقاشی، صحنه‌پردازی و طراحی متناسب با موضوع
غرفه، آراسته شده بود و مستندات مطالبی که راهنمای غرفه
بیان می‌نمود، اعم از آیه و روایت به شکل تابلوهای زیبا به دیوار
غرفه نصب گشته و بازدیدکننده علاوه بر شنیدن بیانات راهنمای
غرفه، با متن آیات و روایات از طریق تابلوها آشنا می‌شد.

از آنجا که بسیاری از بازدیدکنندگان پس از بازدید از
نمایشگاه بطور جدی خواستار مطالب مطروحه در نمایشگاه
بودند، در نظر گرفته شد که این مجموعه با استنادات و مدارک
آن، چاپ و در اختیار آنان قرار گیرد.

امیدواریم شیفتگان ساحت قدس مهدوی علیه‌السلام این
طرح را پسندیده با استفاده از این طرحواره، این نمایشگاه را در
مدرسه، دانشگاه یا مراکز علمی و مذهبی خویش برپا کنند و
خیل کثیری از مشتاقان ظهور را با یکی از شئون آن آشنا
نمایند.

امید است این خدمت کوچک مقبول آستان قدس صاحب
العصر و الزمان سلام الله علیه قرار گیرد، انشاءالله.

قسمت اول این مجموعه پیشگفتاری است که با هشت
عنوان زیبا و حماسی اشتیاق برای ظهور را به تصویر می‌کشد و
قسمت دوم عناوین غرفه‌ها و مطالب و مستندات آن است.

پیشگفتار

السلام عليك يا سبيل الله الذي
من سلك غير هلك

۱

کعبه جانها

- * به ظلمت گرفتار آمده‌ایم، و در پی سرچشمه نور،
خورشید را می‌جوییم.^۱
- * راه‌نورد نیمه شب‌هاییم، که برای پیمودن راه، به
ستارگان آسمان نظر می‌افکنیم.^۲
- * عطش‌زدگان بی‌رمقیم، که در پی یافتن آب زلال، نیم
جانی بیش نداریم.^۳
- * در شبی سرد و تاریک، در بیابان بلا افتاده‌ایم، و به
دنبال آتشی روشن بر فراز بلندی راه می‌پیماییم.^۴
- * در کویری خشک، دیده به ابر پُرباری دوخته‌ایم، که
سایه بر سرمان انداخته‌است.^۵

- * یتیمان ندیدنِ امامان هستیم، که دستِ رحمتِ آن پدر مهربان را می‌جوییم.^۶
- * ذرّه‌ایم و وصف خورشید را شنیده‌ایم. و اگر چه او را نشناخته‌ایم، اما به سویش در حرکتیم.^۷
- * مسلمانیم و در فرار از «مرگ جاهلی» - که مرگ در کفر و نفاق است - هر لحظه جویای کلامی دیگر در معرفت امام زمانمان هستیم.^۸
- * زمستانِ سرد و کشندهٔ غیبت بر جانمان نشسته‌است و از خدا می‌خواهیم که به بهارِ زیبا و روح‌بخشِ ظهور برسیم.^۹
- می‌دانیم که امام علیه السلام همانند کعبه است، که باید به طواف او رفت.^{۱۰}
- می‌خواهیم به طواف این کعبهٔ جانها برویم.

خورشید الهی

او خورشیدی است که اکنون پس ابر است. یعنی، پس ابر، نگاهش داشته‌ایم. مگر خورشید، جز تابیدن چه می‌کند؟ خورشید، همواره می‌تابد، اگر چه فروزش نورش، حجاب سنگین ابرهای تیره را بشکافد.

راستی، با خود اندیشیده‌ایم که:

نور و گرمای خورشید، اگر بر زمین نتابد، چگونه ظلمات دیجور، زمین را فرا می‌گیرد؟

و او، آن خورشیدِ جهانتاب است، که خورشید آسمان، نور خود را و امدارِ برقی نگاه اوست.

آنگاه که روزِ زمینیان، تنها به «طلوع خورشید» - گرچه در پس ابر - معنی می‌یابد، آیا تقویم حیات معنوی انسانی، می‌تواند بدونِ نور افشانیِ حجتِ خدا ورق بخورد؟ آیا کسی هست که در دنیای معنویت نفسی بکشد، و از آن خورشیدِ الهی بی‌نیاز باشد؟ حاشا و کلاً. ۱۱

موعود روزگاران

«او» می آید، زود یا دیر، با پرچم رسول مصطفی ﷺ بر دوش و شمشیر علی مرتضی ﷺ در دست، با یک جهان سرور و بشارت، با کوله باری از نور و هدایت، که برای انسان در حیات دنیا و آخرتش ضرورت دارد.

«او» می آید، آن تندیس استوار فضیلت، آن سرچشمه نجات و ولایت، آن روح بخش هستی انسان، و آن تکسوارِ وادی ایمان.

«او» می آید، آنکه حقایق مهجور قرآن را احیا می کند، و در روزگار فراوانی کلام و قحطی معنا، معنویت را باز می گرداند.

«او» می آید، و حتماً می آید، که آمدنش، وعده خدای تعالی است، که خدای عزوجل در وعده اش خلف ندارد. ۱۲

وعده آمدنش، با سوگند به حق رسول خاتم ﷺ توأم است، که اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد،

خدای عزوجل آن روز را آنچنان طولانی می‌سازد، که آن
بزرگ، پای در رکاب کند. ۱۳

ظهورش، وعده‌ای است از خدایش، که آن وعده را
ضامن شده‌است. ۱۴

ظهورش قطعی است، زیرا که برای کرامت اولیای
خدا و هلاک دشمنان، ذخیره الهی است. ۱۵

ظهورش قطعی است، چرا که او، آن نور خداست، که
اهل کفر، خاموش کردندش را خواستند. اما خدای عزیز قهار،
اتمام آن نور را - به رغم خواست دشمنان - اراده فرمود. ۱۶

بهشت زمینیان

طلوع نور ظهورش، مطلع دنیای دیگر است، دنیایی که آیتی از بهشت در زمینِ خاکی ما است.

زمین مرده به ظلم و کفرِ بندگان، جانی تازه می‌یابد، این بار با تسبیح و تکبیر بندگان، که از سرِ معرفت صحیح گفته می‌شود، زمین احیا شده و این احیای زمین، منحصرأ در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. ۱۷

ظهورش، آیتی از قیامت کبری است، روزی که زمین دگرگون می‌شود، غیر از آنچه تا کنون بوده است. ۱۸ البته زمینی - که به تعبیر حضرت سجاد علیه السلام - به گناه بندگان آلوده نگردد، زمینی دیگر است، نه آنگونه که تا قبل از ظهور می‌شناختند. ۱۹

این است که بعضی از مفسران نیز گفته‌اند:

«و من نسلِ علی علیه السلام القائم المهدی علیه السلام الذی یبدل

الارض غیر الارض». ۲۰

از کودکان گاهواره‌نشین تا مردگانِ در دل خاک، همه،

جانی تازه می‌یابند، و گام برداشتن به سوی حضرتش را
تمنا می‌کنند.^{۲۱}

امت اسلام - آنان که بحق پیرو رسول خدا ﷺ و ائمه
هدی ﷺ هستند - به سوی حضرتش می‌شتابند، همانگونه
که زنبورها به پادشاه کندو پناه می‌برند.^{۲۲}

و این همه شگفتی‌ها، از خدایی که بر هر کاری
تواناست^{۲۳} شگفتی ندارد. خدایی که به قدرت قاهره
خود، دشمنان را از میان می‌برد، و به لطف بی‌پایان خود،
دوستان را می‌نوازد، در آن دوره، دنیایی دیگر می‌سازد،
که شنیدن وصف آن هم امروز برای ما، چشم اندازی
دیگر می‌گشاید.

اشتیاق و نیایش

دنیای پس از ظهور، برآستی شگفت است:

* رسول خدا ﷺ، از دیدن آن شاد می‌گردد. ۲۴

* امیرالمؤمنین علیه السلام، به دیدن آن، اظهار اشتیاق نموده و

می‌فرمود: شوقاً الی رؤیته. ۲۵

* تن پاره رسول ﷺ، صدیقه بتول سلام الله علیها از

دوران درخشانی یاد می‌فرمودند که در آن حتی دو

نفر درباره خداوند اختلاف نخواهند داشت، چرا که

حق به اهل آن باز می‌گردد. ۲۶

* امام حسن مجتبی علیه السلام، در پاسخ به اعتراض معترضان

بیعت حضرتش با معاویه، به آن دوره طلایی بشارت

می‌داد. ۲۷

* حضرت سید الشهدا علیه السلام، در شب عاشورا، به یاران

خود نوید داد که آن بزرگمردان، یاوران حضرت

مهدی علیه السلام، خواهند بود. ۲۸

* امام سجاد علیه السلام، در روز عرفه، برای یاران حضرتش

دست به دعا برمی دارد. ۲۹

* امام باقر علیه السلام، در حدیث خود خطاب به امّ هانی، درک

آن دوره را «سبب روشنی چشم او» می داند. ۳۰

* امام صادق علیه السلام، برای نزدیک شدن آن زمانِ درخشان،

در تعقیب نماز ظهر خود، دست به دعا برمی دارد. ۳۱

* امام کاظم علیه السلام، در تعقیب نماز عصر خود، برای تعجیل

ظهور دعا می کند. ۳۲

* امام رضا علیه السلام، در قنوتی که برای نماز جمعه تعلیم

فرمود، به دعا برای فرارسیدن آن دورانِ نورانی امر

فرمود. ۳۳

* امام جواد علیه السلام، در تعقیب نماز خود، ظهور حضرتش

را سبب شفا بخشیدن سینه خود و سینه مؤمنان

دانست. ۳۴

* امام هادی علیه السلام، در زیارت جامعه کبیره، به شیعیان

آموخت که بگویند: «چشم به راه دولتِ شما هستم ...

یاری من برای شما آماده است، تا آنگاه که خدای

تعالی ... شما را در زمین تمکین بخشد». ۳۵

* امام حسن عسکری علیه السلام، از فتنه‌ها و هلاکتِ زمان

غیبت سخن گفت، و تنها راه نجات از آن را ثبات قدم

بر امامت حضرت مهدی علیه السلام و دعا برای تعجیل ظهور
ایشان دانست. ۳۶

* حضرت مهدی علیه السلام، در نخستین سخنان خود پس از
تولد، برای ظهور خود دعا فرمود^{۳۷} و در دعاهای
دیگر، در مورد خصوصیات جامعه آرمانی پس از
ظهور، حقایقی بسیار بیان داشت. ۳۸

بهای دیدار

از جامعه موجود تا جامعه موعود، فاصله‌ای است بسیار بلند و بسیار کوتاه.

فاصله، بلند است، به بلندای شب یلدای غفلت ما غافلان از نور، که با احساس استغنا و بی‌نیازی از امام زمان، آب حیات را وانهاده و به تشنگی خود، دل خوش داریم!

در جهل مرکب خود، ظلمت را به جای نور نهاده‌ایم، و به آن فخر می‌فروشیم!

خود را از سرچشمه‌های هدایت، دور نگاه داشته‌ایم، و از حیرانی و سرگردانی‌های فکری، خوشنودیم. راستی، این فاصله‌ای بسیار دراز است، مسافتی از ظلمت تا نور.

اما از سوی دیگر، فاصله بسیار کوتاه است: برای کسانی که در گرو آن کعبه دلها و قبله جانها دارند.

برای کسانی که ضرورت پیوندِ دمام خود با امام
زمانشان را با تمام وجود لمس کرده‌اند.

برای کسانی که پیوند با موعود محبوب را از نفس
کشیدن خود لازم‌تر می‌دانند.

برای کسانی که نفس کشیدن بدون یاد «روح زندگی»
را زندگی حیوانی و بی‌هدف می‌دانند.

برای کسانی که طعم عطش را با تمام وجود چشیده‌اند،
و در کویر خشک این جهان، به دنبال سرچشمهٔ آب زلال
- که آن را می‌شناسند - همواره می‌شتابند.

برای اینان، فاصلهٔ جامعهٔ موجود تا جامعهٔ موعود،
مسافتی بس کوتاه است. اینان، اگر در میان جمع هستند، اما
دل در گرو آرمان خود دارند و برای آن زندگی می‌کنند.

این است که به تعبیر حضرت سجاد علیه السلام :

«لأن الله تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام
و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة
المشاهدة».

«خدای تبارک و تعالی، آنچنان عقل و فهم و معرفت به
آنان عطا فرمود که به مدد آن، غیبت در نزد آنان همچون
مشاهده است.»^{۳۹}

باید بکوشیم تا این فاصله را برای خود همچنان
کوتاهتر سازیم.

به آنچه داریم دل خوش نداریم و آینده‌ای درخشان،
طلایی و الهی را که در انتظار ماست، فرادید خود آوریم
و ما نیز با تمام وجود در انتظار آن باشیم.

سیمای ظهور

آنچه در این کتاب پیش رو دارید، سیمای کلی از حکومت الهی و جهانی امام عصر علیه السلام پس از ظهور است. در این کتاب، می خوانیم که:

* تمام انبیاء و اوصیاء و اولیاء علیهم السلام از بدو خلقت تا کنون در انتظار ظهور بوده اند.

* عدالت حضرتش وجه بارز آن حکومت است که عدالت مردم در آن زمان نیز، جلوه‌ای از آن است.

* طبیعت با مردم همراه می‌گردد.

* رفاه اقتصادی و اجتماعی، مردم را فرا می‌گیرد.

* این حکومت، جهانی است و هیچ سابقه‌ای در تاریخ جهان ندارد.

* تشیع در تمام جهان فراگیر می‌شود.

* پیروان ادیان دیگر، به اختیار خود و با دیدن حقانیت

اسلام به این دین مبین روی می‌آورند.

* این حکومت در جهان باقی و برقرار می‌ماند.

* ویژگی‌های خاص این حکومت (از جهت امام و امت) آن را در میان دیگر حکومتها و زمانها بی نظیر ساخته است.

* پیشرفت علم و دانش، بهداشت همگانی، امنیت عمومی، محاسن اخلاقی، تکامل عقول، رفع اختلافات و ناراحتی‌ها، بعضی از ویژگی‌های بارز دولت حقّه مهدوی است.^{۴۰}

تمام این مطالب، از احادیث معتبر خاندان وحی علیهم‌السلام بر گرفته شده است، بدون اینکه کمترین توجیه و تأویل و تطبیق در مورد آن انجام گیرد.

حجّت الهی

توجّه به این نکته ضروری است که :
 تمام آنچه در این کتاب بیان می شود، تنها اشاره‌ای به
 یک بُعد از ابعادِ بیشمارِ حضرت ولی عصر علیه السلام است،
 یعنی بُعد حکومت جهانی بعد از ظهور.
 باید دانست که آن امام همام علیه السلام، آخرین امام از سلسله
 نور، و وارث تمام کمالات انبیاء گذشته علیهم السلام، رسول
 اکرم صلی الله علیه و آله، صدیقه کبری علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام است. در
 دعای ندبه و دیگر دعاهاى ارزشمند ماثور، به حضرتش
 خطاب می شود:

یا بن الهداة المهدیین،

یا بن البدور المنيرة،

یا بن السبل الواضحة،

یا بن الدلائل المشهودة،

یا بن الصراط المستقیم،

و

دهها خطاب به این تعبیرات، در دعاها و زیارتها دیده می‌شود. این عبارتها، علاوه بر وراثتِ مادی و فرزندی، وراثت معنوی را نشان می‌دهد.

حضرت مهدی علیه السلام، وارث کمالات معصومان قبل از خود علیه السلام است. و هر چه در فضائل و مناقب آن بزرگواران بیان می‌شود، دربارهٔ این بزرگوار نیز صادق است.

اقیانوس موج و بی‌کرانهٔ فضائل و موهبت‌های الهی به معصومانِ پاک‌نهاد علیهم السلام، آنچنان است که در برابر هیمنهٔ امواج توفندهٔ آن، قایقهای عقل و اندیشهٔ بشر - هر چه بزرگ باشند - در هم می‌شکنند و به تخته پاره‌ای بدل می‌شوند که هیچ کمکی به صاحب آن نمی‌کنند.

حجّت خدا صلی الله علیه و آله کیست؟

این پرسش مهم و ضروری، پاسخی در خورِ خود می‌طبد، که وصف این خورشید را از زبان ذرّه‌های ظلمت زده نباید گرفت. پس راهی نداریم جز آنکه وصف خورشید را از زبانِ خورشید بشنویم:

■ امام، بشری مَلکی، بدنی آسمانی، امری الهی،

روحی قدسی، مقامی برتر، و سرّی پنهان است. او

ذاتی ملکی و صفاتی الهی دارد. به ویژگی‌هایی از ربّ العالمین و نصّ از رسول امین مخصوص شده‌است، غیب‌ها را می‌داند. و این همه، مخصوص آل محمد علیهم‌السلام است، که هیچکس در این مقامات با آنها مشارکت ندارد. ^{۴۱}

■ از مناقب ما، چیزی برای شما بیان نشده است، مگر یک حرف از تمام حروف. ^{۴۲}

■ خدای تعالی شما (اهل بیت) را به مقامی رسانده است که هیچ کس بدان نرسد، هیچ سبقت گیرنده‌ای از آن سبقت نگیرد، هیچ بالا رونده‌ای بدان بالا نرود، و هیچ کس برای درک آن مقام طمع نکند. ^{۴۳}

باری، فهم و درک این مقام، از حوصله و توان بشر خارج است. پس بهتر آن است که سر بر این آستان بسپاریم و کلام صادق آل محمد علیهم‌السلام را به گوش جان پذیرا باشیم، که فرمود:

«هر کس شادمان می‌شود که ایمانش کامل گردد، باید بگوید: عقیده من در تمام موارد، کلام آل محمد علیهم‌السلام است، در آنچه پنهان داشته‌اند و (آنچه) آشکار

ساخته‌اند، در مطالبی که از آن بزرگواران به من رسیده، و در آنچه به من نرسیده است»^{۴۴}.

اینک، از گلستان علوم خاندانِ نور، دسته‌گلی معطر به پیشگاه محبان این خاندان تقدیم می‌شود، با تذکر این نکته که ابعاد حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیش از حوصله فهم مردم بوده‌است، لذا آنچه در احادیث معتبره به دست ما رسیده، «حرفی است از هزاران، کاندرا عبارت آمد».

از خدای رحمان و رحیم می‌خواهیم که ایمان ما به حضرتش را لحظه به لحظه افزون دارد، و چشم این دوستداران را به دولت حقّه امام موعودشان روشن سازد. و دعای آنان را مستجاب فرماید، که به تعلیم آن عزیز جان، و آن غایب حاضر، پیوسته می‌خوانند:

اللّٰهُمَّ اِنَّا نرغب اليك في دولةِ كريمه،

تعزّ بها الاسلام و أهله،

و تذلّ بها النّفاق و أهله،

و تجعلنا فيها من الدّعاةِ الى طاعتك،

و القادةِ الى سبيلك،

و ترزقنا بها كرامة الدّنيا و الآخرة.^{۴۵}

آمین یا ربّ العالمین.

پانوشت ۱

- ۱- «السلام على شمس الظلام»، ربيع الانام صفحة ۳۶۴ و ۳۸۱.
- ۲- يابن الانجم الزاهرة، دعای ندبه، ربيع الانام، صفحة ۱۵۳.
- ۳- اشاره به آیه آخر سورة ملك، كه بر اساس روايات اهل بيت عليهم السلام، حضرت مهدي عليه السلام را «ماء معين» ناميده است.
- ۴- حضرت رضا عليه السلام: «الامام، النار على اليفاع، الحار لمن اصطلى به والدليل في المهالك، من فارقه فهالك»، كمال الدين، جلد ۲، صفحة ۶۷۷، حديث ۳۱.
- ۵- حضرت رضا عليه السلام: «الامام، الماء العذب على الظماء»، همان حديث.
- ۶- امام حسن عسكري عليه السلام: «اشد من يتم هذا اليتيم، يتيم انقطع عن امامه، لا يقدر على الوصول اليه» تا آخر حديث، منية المرید، صفحة ۱۱۴، فصل ۴.
- ۷- امام رضا عليه السلام: «الامام الشمس المضيئة»، كمال الدين، جلد ۲، صفحة ۶۷۷، حديث ۳۱.
- ۸- اشاره به حديث متواتر نبوي صلى الله عليه وسلم: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»، (جهت مطالعه بیشتر به كتاب شناخت امام ياراه رهايي از مرگ جاهلي، نوشته آقاي مهدي فقيه ايماني مراجعه نماييد).
- ۹- «السلام عليك يا ربيع الانام»، زيارت حضرت مهدي عليه السلام در سرداب سامرا.
- ۱۰- «مثل الامام كمثل الكعبة، اذ يؤتى و لا يأتى»، بحار الانوار، جلد ۳۶، صفحة ۳۵۸.
- ۱۱- اين بخش، از سخنان مرحوم مجلسي د رتوضيح حديث «خورشيد پشت ابر» برگرفته شده است، بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحة ۹۴ - ۹۳.
- ۱۲- امام جواد عليه السلام فرمود: «ان القائم من الميعاد، و الله لا يخلف الميعاد»،

غیبت نعمانی، صفحه ۳۰۳، باب ۱۸، حدیث ۱۰؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۵۰.

۱۳- رسول خدا ﷺ: «والذی بعثنی بالحق نبیاً، لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلك الیوم حتی یشرف فیہ ولدی المهدی»؛ بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۷۱.

۱۴- «السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه»، زیارت آل یس.

۱۵- «المدخر لكرامة اولیاء الله و بوار اعدائه»، ربیع الانام، صفحه ۳۷۷.

۱۶- «النور الذی اراد اهل الكفر اطفائه، فابى الله...»، ربیع الانام، صفحه ۳۷۷-۳۷۸.

۱۷- خدای تعالی در حدیث قدسی فرمود:

«بالقائم منکم امر ارضی بتسییحی و تهلیل و تقدیسی و تکبیری و تمجیدی»؛ امالی صدوق، صفحه ۵۰۴، مجلس ۹۲؛ بحار الانوار، جلد ۲۳، صفحه ۱۲۸.

در متن حدیث دقت شود: «بالقائم منکم» قبل از فعل آمده است و این گونه بیان در ادب عرب، انحصار را می رساند، یعنی: «به وسیله قائم شما - و تنها به وسیله قائم شما، نه به سبب دیگر - زمین خودم را آباد می سازم، به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خودم».

۱۸- ﴿یوم تبدل الارض غیر الارض﴾، سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

۱۹- امام سجاده علیه السلام ذیل آیه یاد شده فرمود: «یعنی بأرض لم تکسب علیها الذنوب»؛ بحار الانوار، جلد ۷، صفحه ۱۱۰.

۲۰- غیبت نعمانی، صفحه ۱۴۶، باب ۱۰، حدیث ۴.

۲۱- مدارک این کلام، در همین کتاب، تحت عنوان «شادی همگانی از ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام» یاد شده است.

۲۲- الملاحم و الفتن، صفحه ۷۰؛ منتخب الاثر، صفحه ۴۸۸، فصل ۷، باب ۷، حدیث ۲.

۲۳- ﴿ان الله علی کل شیء قدیر﴾؛ سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲۴- «اللهم و سرّ نبیک محمد صلی الله علیه و آله و سلم برویته»؛ دعای عهد.

- ۲۵- بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۱۱۵.
- ۲۶- کفایة الاثر، صفحه ۱۹۹؛ بحار الانوار، جلد ۳۶، صفحه ۳۵۳.
- ۲۷- کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۳۱۶، باب ۲۹، حدیث ۲.
- ۲۸- این حدیث را مرحوم شیخ جعفر شوشتری در کتاب «فوائد المشاهد» روایت کرده است.
- ۲۹- صحیفه سجادیه، دعای ۴۷.
- ۳۰- «فان ادركتِ زمانه قرّت عينک»؛ اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۶.
- ۳۱- ربیع الانام، صفحه ۱۲۷.
- ۳۲- ربیع الانام، صفحه ۱۲۸.
- ۳۳- جمال الاسبوع، فصل ۳۰؛ معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، جلد ۴، صفحه ۱۷۱.
- ۳۴- معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، جلد ۴، صفحه ۱۸۹.
- ۳۵- زیارت جامعه کبیره - بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۱۲۹.
- ۳۶- معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، جلد ۴، صفحه ۲۶۷، حدیث ۱۲۹۹.
- ۳۷- همان کتاب، جلد ۴، صفحه ۳۶۳.
- ۳۸- رجوع شود به کتاب: صحیفه مهدیه، نوشته سید مرتضی مجتهدی، ترجمه فارسی.
- ۳۹- کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۳۲۰، باب ۳۱ حدیث ۲.
- ۴۰- این جملات، خلاصه ای فشرده از عناوین کتاب حاضر است. تفصیل مطالب و مدارک آنها را در متن کتاب می خوانید.
- ۴۱- بخشی از حدیث مفصل امیرالمؤمنین عليه السلام خطاب به طارق بن شهاب؛ بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۱۷۳ - ۱۷۲.
- ۴۲- بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۸۳، حدیث ۳۰.
- ۴۳- از عبارات زیارت جامعه کبیره، امام هادی عليه السلام.
- ۴۴- اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۹۱.
- ۴۵- جملاتی از دعای افتتاح، که حضرت ولی عصر عليه السلام به خواندن آن در شبهای ماه مبارک رمضان امر فرمودند.

اصالت مهدویت

بشارت انبیاء و اولیاء به حکومت امام زمان علیه السلام
انبیاء و اولیاء علیهم السلام در انتظار حکومت حضرت مهدی علیه السلام

- * اعتقاد به منجی، از اعتقادات فطری بشر است.
- * معرفی حضرت مهدی علیه السلام و کارهای ایشان، اختصاص به اسلام نداشته و در تمامی مکاتب آسمانی مطرح گردیده است.^۱
- * اختلاف در میان امتهای در نام و نشان حضرت حجة بن الحسن علیه السلام است نه اصل مهدویت و همه امام منتظر ظهور این منجی هستند و گاهی هم به خاطر عدم مطابق شدن آن نامها با موعود اسلام، در کتب پیشین تحریفهایی صورت گرفته است.
- * مبحث مهدویت و اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به روشنی طرح شده و در آثار شیعه و اهل سنت این موضوع به عنوان یک عقیده غیر قابل انکار مطرح گردیده است. تنها در آثار شیعی، روشنی این اعتقاد آشکارتر می باشد.^۲

* تمامی انبیاء و اولیاء علیهم السلام وظیفه داشته‌اند که به ظهور

حضرت مهدی علیه السلام بشارت دهند.^۳

* خداوند به تمام امتها، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را

و عده داده‌است.^۴

* تمامی انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام در انتظار ظهور حضرت

مهدی علیه السلام و برقراری حکومت حقّه الهیه بوده‌اند.^۵

برقراری عدالت

- * حضرت مهدی علیه السلام، زمین را از قسط و عدل پر می‌نمایند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است.^۶
- * امام زمان علیه السلام مظهر عدلی است که همگان منتظر اویند.^۷
- * در زمان حکومت آن حضرت علیه السلام، عدل همچون سرما و گرما به درون خانه افراد نیز نفوذ می‌کند.^۸
- * عدالت حضرت مهدی علیه السلام، شمول داشته، افراد نیکوکار و بدکار را فرا می‌گیرد.^۹
- * با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام، کتب آسمانی انبیاء پیشین بدون هیچگونه تحریفی بر مردم عرضه می‌گردد.
- * آن حضرت علیه السلام بین اهل تورات با تورات، بین اهل انجیل با انجیل، بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن، قضاوت می‌نمایند.^{۱۰}
- * در دوران حکومت آن حضرت علیه السلام، هیچکس به فرد دیگر ظلم نمی‌کند و لذا اثری از ظلم مشاهده نمی‌گردد.^{۱۱}

* حق هر کس به او باز گردانده می شود. ۱۲

* آن حضرت علیه السلام به هر کس به ازای کمالاتش، سمت می دهند. ۱۳

* به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام مبانی و بنیانهای عزت در جای اصلی خود قرار می گیرد. ۱۴

* به واسطه عدالت امام زمان علیه السلام، زمین احیا می گردد. ۱۵

* در حکومت آن حضرت علیه السلام، از هر بالکن، فاضلاب و ناودانی که به طرف راههای عمومی است، جلوگیری می شود. ۱۶

* با ظهور امام عصر علیه السلام، کسانی که حج واجب خود را انجام نداده اند، بر افرادی که خواستار حج مستحبی می باشند، مقدم خواهند بود. ۱۷

همراهی طبیعت

- * به دلیل ایمان و تقوای مردم در دوران حکومت امام زمان علیه السلام و به دلیل آنکه حکومت زمین به دست صاحبان اصلی آن رسیده است، برکات زمینی و آسمانی بر مردم سرازیر می شود. ^{۱۸}
- * زمین برکات خود را خارج می سازد. ^{۱۹}
- * زمین، معادن و گنجهای خود را آشکار می سازد و مردم این گنجها را بر سطح زمین می بینند. ^{۲۰}
- * آسمان، باران خود را می بارد؛ درختان، میوه خود را به ثمر می نشانند و زمین، گیاهان خود را می رویاند. ^{۲۱}
- * در آن دوران، حداکثر محصول برداشت می شود و از هر بذری که کاشته می شود ۷۰۰ بذر یا دانه برداشت می شود. ^{۲۲}

رفاه اقتصادی

- * در دوران حکومت امام زمان علیه السلام، مردم با حاکمی بسیار بخشنده مواجه می‌باشند. حضرت مهدی علیه السلام آن چنان اموال را می‌بخشد که کسی قبل از وی نبخشیده است. ۲۳
- * امام زمان علیه السلام، اموال را بدون شمارش اعطا می‌نمایند. ۲۴
- * حضرت مهدی علیه السلام، اموال عمومی را به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کنند. ۲۵
- * عطا و بخشش‌های آن حضرت علیه السلام، بسیار گوارا است. ۲۶
- * حضرت ولی عصر علیه السلام در آغاز امر، قرض تمام شیعیان در طول تاریخ را ادا می‌نمایند. ۲۷
- * سرانجام، وضعیت اقتصادی مردم به آنجا می‌رسد که محتاج به زکات مشاهده نشده و لذا محلی برای خرج زکات و صدقات پیدا نمی‌شود. ۲۸
- * به دلیل امنیت اقتصادی حاکم بر کل جهان، مردم به زراندوزی و انباشته کردن اموال نیازی نخواهند

داشت. ۲۹

* در دوران حکومت آن حضرت علیه السلام، مردم از نعمتها به
گونه‌ای متنعم می‌شوند که هرگز کسی آن چنان
بهره‌مند نشده‌است. ۳۰

رفاه اجتماعی

- * آن حضرت علیه السلام، راههای بزرگ را توسعه می دهند. ۳۱
- * نهرها پر آب شده و به اطراف زمین کشیده می شوند و همه کس در همه جا از نعمت آب برخوردار می گردند. ۳۲
- * در آن دوران، دامها در روی زمین فراوان می شوند و مردم از فواید آنها برخوردار می گردند. ۳۳
- * خیر و برکات به دست حضرت مهدی علیه السلام زیاد می گردد. ۳۴
- * خرابه‌ای بر روی زمین باقی نمی ماند، مگر آنکه حضرتش آن را آباد می سازد. ۳۵
- * زمین به دست آن حضرت علیه السلام، باصفا و باطراوت می گردد. ۳۶

تشکیل حکومت واحد جهانی و بی سابقه بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

- * دولت الهی امام زمان علیه السلام، یک دولت یکپارچه و یک حکومت واحد جهانی است. ^{۳۷}
- * حکومت آن حضرت علیه السلام با ویژگیهای خاص خود، هیچ سابقه‌ای در تاریخ بشر ندارد. ^{۳۸}

گسترش تشیع در سراسر گیتی

- * در حکومت امام زمان علیه السلام، حَقَانِیَّتِ تشیع بر همگان به روشنی ظاهر می‌گردد و لذا تقیّه برداشته می‌شود. ^{۳۹}
- * حضرت مهدی علیه السلام، تمام مردم را به کتاب خدا، سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و برائت از دشمنان وی دعوت می‌نماید. ^{۴۰}
- * با ظهور حضرت علیه السلام، به تدریج تشیع در کلّ جهان حاکم می‌گردد و دین رسمی در سراسر گیتی، تشیع اعلام می‌شود. ^{۴۱}
- * در حکومت آل محمد علیهم السلام، اَمّت بر محبت ائمه علیهم السلام هم‌پیمان خواهند شد. ^{۴۲}

رغبت و روآوری مردم و اهل ادیان به دین و دیانت

- * بر اساس شیوه مناسب دعوت آن حضرت ﷺ، مردم با میل و رغبت به دین و عبادت خداوندی روی می آورند و رانده شدگان از دین به سوی آشیانه های آرام بخش خویش باز می گردند. ^{۴۳}
- * در حکومت آن حضرت ﷺ، بدعتها، بی دینی ها و گمراهیها ریشه کن می گردد. ^{۴۴}

تداوم حکومت صالحین بر کره زمین تا روز قیامت

- * حکومت امام زمان علیه السلام، آغاز حکومت آل محمد علیهم السلام بر روی زمین می باشد. ۴۵
- * حکومت آل محمد علیهم السلام، همان حکومت صالحین است که قرآن به آن وعده داده است. ۴۶
- * برای حکومت صالحین، مدت زمان مشخصی تعیین نگردیده و آن حکومت تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. ۴۷

مشخصات حاکمین در حکومت صالحین

الف (امام زمان علیه السلام)

۱. امام زمان علیه السلام وارث تمام صفات و کمالات الهی ارزانی شده به تمامی انبیاء و اولیاء الهی می باشند. ^{۴۸}

۲. علم الهی آن حضرت علیه السلام :

□ خداوند، امام زمان علیه السلام را بر علم غیب خویش آگاه نموده است. ^{۴۹}

□ از جانب خداوند به امام زمان علیه السلام الهام می شود و ایشان به الهام الهی عمل می نمایند؛ البته آن وحی و الهام، وحی شریعت جدید نمی باشد. ^{۵۰}

□ امام زمان علیه السلام معدن، نگاهدارنده و وارث کلیه علوم بوده و بر همه چیز آگاه است. ^{۵۱}

□ آن حضرت بر اساس علم الهی خود، حکم می نمایند و همه افراد را به باطنشان می شناسند و لذا در قضاوتها همچون حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام نیاز به شاهد

و بینہ ندارند. ۵۲

۳. عصمت آن حضرت ﷺ:

□ امام زمان ﷺ از کلیه گناہان، عیوب، پلیدیها،

نجاسات و خطاها، پاک و مبرا می باشند. ۵۳

□ آن حضرت ﷺ مجسمه حق بوده و حق همیشه

با وی می باشد. ۵۴

□ آن حضرت ﷺ مطلقاً هتک حرمت الهی

نکرده، شریعت و واجبی از واجبات الهی را

تغییر و تبدیل ننموده است. ۵۵

□ امام زمان ﷺ، کاملاً در گفتار راستگوست. ۵۶

۴. خُلق و خوی آن حضرت ﷺ:

□ خلق و خوی آن حضرت ﷺ همان خلق و

خوی پیامبر اکرم ﷺ است که خداوند کریم

در قرآن، آن خُلق و خوی را عظیم شمرده

است. ۵۷

□ آن حضرت ﷺ، دارای بردباری حضرت

داود ﷺ و صبر حضرت ایوب ﷺ است. ۵۸

□ آن حضرت ﷺ، سعه صدر داشته و با ویژگی

سنگینی و وقار شناخته می شود. ۵۹

□ حضرت مهدی علیه السلام، عالم ترین، حلیم ترین، با تقواترین، سخی ترین، شجاع ترین و عابدترین مردم می باشد. ^{۶۰}

□ امام زمان علیه السلام نسبت به اموال، بخشنده ای جواد، نسبت به مستمندان با مهر و عطوفت و نسبت به کارگزاران خویش بسیار سخت گیر است. ^{۶۱}

۵. مشی آن حضرت علیه السلام:

□ امام زمان علیه السلام دقیقاً به همان شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام رفتار خواهد کرد. ^{۶۲}

□ سنت حضرت مهدی علیه السلام همان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. ^{۶۳}

□ آن حضرت علیه السلام، لباس خشن که همان لباس حضرت علی علیه السلام است را به تن می نماید. ^{۶۴}

□ غذای حضرتش علیه السلام به غیر از نان جو سخت، چیز دیگری نمی باشد. ^{۶۵}

۶. قدرت الهی آن حضرت علیه السلام:

□ خداوند قبض و بسط عالم را در اختیار آن

حضرت ﷺ قرار داده است. ۶۶

□ به آن حضرت ﷺ نوری اعطا شده است که

بوسیله آن، اشیاء را از راه دور و نزدیک دیده و

صداها را از مسیر دور و نزدیک می شنود. ۶۷

□ دنیا به منزله کف دست برای حضرت

ولی عصر ﷺ آشکار است. ۶۸

□ حضرتش ﷺ، قدرت طی الارض دارد. ۶۹

□ معجزه‌های از معجزات انبیاء و اولیاء الهی

نمی باشد مگر آنکه خداوند نظیر آن را بر

دست آن حضرت ﷺ ظاهر می گرداند تا

حجت بر دشمنان تمام گردد. ۷۰

□ عصای آسمانی حضرت موسی ﷺ که جبرئیل

برای وی آورد، در دست امام عصر ﷺ است.

توسط این عصا، معجزات حضرت موسی ﷺ

نظیر ازدها شدن عصا و خروج آب و غذا از

سنگ ظاهر می گردد. ۷۱

□ حضرت مهدی ﷺ نظیر حضرت ابراهیم ﷺ

داخل آتش شده و به سلامت خارج

می شوند. ۷۲

□ آن حضرت علیه السلام، استخوانهای پوسیده هزار ساله را به نطق در می آورد. ۷۳

□ همانگونه که آهن در دست حضرت داود علیه السلام نرم گردید، در دست آن حضرت نرم می گردد. ۷۴

□ قدرت جسمانی آن حضرت علیه السلام به اندازه‌ای است که اگر بر تنومندترین درختان زمین دست اندازد، آن درخت را از ریشه و بن می کند و اگر در کوهها نهیب زند، صخره‌ها تکه تکه می شوند. ۷۵

۷. امدادهای غیبی الهی برای آن حضرت علیه السلام :

□ خداوند هر مشکلی را برای امام زمان علیه السلام آسان و هر سختی را برای او هموار می سازد و اسباب پیروزی را در اختیار وی قرار می دهد. ۷۶

□ چهل و شش هزار عدد از ملائکه از جمله جبرئیل و میکائیل در زمره یاوران امام زمان علیه السلام می باشند. ۷۷

□ جبرئیل نخستین فردی است که دست

حضرت را بوسیده و با ایشان بیعت
می نماید. ۷۸

□ شش هزار نفر از جنیان از یاوران اصلی امام
زمان علیه السلام می باشند که پس از ملائکه با حضرت
بیعت می نمایند. ۷۹

□ از عوامل پیروزی و تسلط امام زمان علیه السلام بر دنیا
رعب و وحشتی است که در دل دشمنان
می افتد. ۸۰

□ پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله که توسط جبرئیل در
روز بدر برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده شد، به
دست امام زمان علیه السلام برافراشته می گردد. از
مشخصات این پرچم آن است که رعب را به
مسافت یک ماه در تمام جهات در دل دشمن
می اندازد و از طرفی قلوب مؤمنین را همچون
پاره‌ای از آهن، محکم و استوار می سازد. ۸۱

□ باده‌ها و ابرهای دارای رعد و برق و صاعقه در
تسخیر آن حضرت علیه السلام می باشند. ۸۲

□ در دوران ظهور، زمین عده‌ای از دشمنان آن
حضرت علیه السلام را در بر می گیرد. ۸۳

□ سنگها و صخره‌ها، کفار و دشمنان امام
زمان علیه السلام که در میان آنها پنهان شده‌اند را معرفی
می‌کنند. ۸۴

□ آفتاب و ماه به دعوت امام عصر علیه السلام پاسخ
می‌دهند. ۸۵

□ اسب آسمانی به نام براق توسط جبرئیل برای
امام عصر علیه السلام آورده می‌شود. ۸۶

ب) اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

□ سرشت اصحاب آن حضرت علیه السلام، بسیار پاک
بوده و از نفاق و پلیدی پاکیزه می‌باشد. ۸۷

□ دلهای اصحاب از کینه و عداوت پیراسته
است. ۸۸

□ اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هیچ شکمی در
ذات خدا نداشته و خداوند را به حق معرفت
می‌شناسند. ۸۹

□ قلوب آنها از خشیت الهی لرزان است. ۹۰

□ روان آنها، همچون چراغ، روشن بوده و
دلهایشان نورانی است. ۹۱

□ اصحاب آن حضرت کاملاً مطیع فرامین الهی

می باشند. ۹۲

□ آنها، پارسایان شب و شیران روز می باشند. ۹۳

□ ایشان، افرادی هستند که شبها را نخوابیده و با

عبادت الهی به صبح می رسانند. ۹۴

□ یاران آن حضرت علیه السلام از اهل اخلاص به شمار

می روند. ۹۵

□ خداوند به وسیله این اصحاب، امام عصر علیه السلام را

یاری می کند. ۹۶

□ آنها همواره دور امام عصر علیه السلام می چرخند و در

جنگها خود را سپر آن حضرت قرار داده و

خواسته های امام علیه السلام را انجام می دهند. آنها از

اطاعت کنیز برای ارباب نسبت به آن حضرت

مطیع ترند. ۹۷

□ ایشان از شیر دلیرتر و از نیزه چابک ترند. ۹۸

□ اگر بر کوهها حمله برند، آنها را از جای بر

می کنند. ۹۹

□ خداوند دلهای اصحاب حضرت را همچون

پاره ای از آهن و نیروی هر یک را به مقدار

چهل مرد می گردانند. ۱۰۰

□ قدرت آنها به گونه ای است که دشمن را در زیر

پا خرد می نمایند. ۱۰۱

□ هرگاه به سویی حرکت می کنند، رعب به

فاصله یک ماه در دل دشمن می افتد. ۱۰۲

□ آن حضرت علیه السلام بین شانۀ و سینه اصحاب را

مسح می نمایند و لذا آنها در قضاوت درمانده

نمی شوند و حکمی بر آنها مشکل نخواهد

بود. ۱۰۳

□ چیزی در زمین بر آنها پوشیده نمی باشد. ۱۰۴

□ آنها فقها، نجبا و حکام زمین در آن دوره

می باشند. ۱۰۵

□ ایشان به اذن الهی، مرده را احیا می کنند، بر

روی آب راه رفته و بر ابرها سوار می شوند و

قدرت طی الارض دارند. ۱۰۶

□ همه چیز حتی حیوانات درنده و پرندگان

وحشی از اصحاب آن حضرت علیه السلام اطاعت

نموده، رضایت آنها را می جویند. ۱۰۷

□ سرزمینها به راه رفتن یاران آن حضرت علیه السلام بر

دیگر مکانها فخر می فروشند. ۱۰۸

□ تعداد یاران امام زمان علیه السلام، ۳۱۳ مرد می باشد که

همراه آنها ۵۰ زن وجود دارد. ۱۰۹

□ یاران حضرت، جوان بوده و در میان آنها افراد

مسن به تعداد کم مشاهده می شود. ۱۱۰

□ حضرت عیسی علیه السلام به منظور یاری امام

عصر علیه السلام از آسمان فرود آمده، با آن حضرت

بیعت نموده و در پشت سر حضرتش علیه السلام نماز

می خواند. ۱۱۱

□ خداوند برای یاری آن حضرت علیه السلام عده ای از

مؤمنین را زنده می کند. ۱۱۲

ج) بیعت نامه

یاران حضرت مهدی علیه السلام در موارد ذیل با آن

حضرت علیه السلام بیعت می کنند که:

□ زنا نکنند

□ دزدی نکنند

□ گرد همجنس بازی نگردند

□ خون کسی را به ناحق نریزند

- به خانه کسی هجوم نبرند
- به آبروی کسی لطمه نزنند
- کسی را به ناحق نزنند
- راه را بر کسی نبندند
- راه‌ها را ناامن نکنند
- شخص مجروح را نکشند
- مکر و حيله نکنند
- در امانت، خیانت نکنند
- خلف وعده، ننمایند
- مسلمانی را دشنام ندهند
- کسی که به آنان پناه می‌برد را نکشند
- مال یتیم را نخورند و در حق او ظلم نکنند
- در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند
- طرفدار پاکی و از پلیدی گریزان باشند
- به نیکی فرمان داده و از زشتی باز دارند
- طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند
- در برابر سیم و زر، سر فرود نیاورند
- به کم قناعت کنند
- از طریق ربا، معامله نکنند

□ نان جو بخورند

□ مشروب (الکلی) نخورند

□ خود را با طلا زینت نکنند

□ حریر و خز نپوشند

□ جامه‌های خشن به تن کنند

□ خاک را متکای خود سازند

□ مسجدی را خراب نکنند

□ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند.

سپس امام زمان علیه السلام در حق خود تعهد می‌نمایند که:

□ از راه آنها برود

□ جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد

□ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود

□ آن چنان که می‌خواهند باشد

□ به کم راضی و قانع شود

□ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند

□ خدا را آنچنان که شایسته است، پرستد

□ زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آنچنان

که پر از ستم شده است. ۱۱۳

پیشرفت علم و دانش

- * علاوه بر دو حرف علم که قبل از ظهور توسط تمام پیامبران علیهم السلام آورده شده است، بیست و پنج حرف دیگر علم توسط آن حضرت علیه السلام آشکار می شود. ۱۱۴
- * آن حضرت علیه السلام علم و دانش را همانند عدالت در سرتاسر زمین آکنده می سازد. ۱۱۵
- * با عنایات آن حضرت علیه السلام، علم در قلوب مؤمنین قرار می گیرد. ۱۱۶
- * در زمان آن حضرت علیه السلام، قرآن کریم و حقایق آن به مردم تعلیم داده می شود. ۱۱۷
- * در دوران حکومت حضرت علیه السلام، زن در خانه اش به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می نماید. ۱۱۸
- * در آن دوران به آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه دست خواهند یافت. ۱۱۹
- * قدرت بینایی و شنوایی شیعیان افزایش می یابد، به گونه ای که بدون استفاده از وسیله، حضرت ولی عصر علیه السلام را دیده و با وی سخن می گویند. ۱۲۰

* مؤمنین در مشرق زمین، برادران ایمانی خود را در
مغرب زمین می‌بینند و بالعکس. ۱۲۱

بهداشت و سلامت همگانی

- * به دست حضرت مهدی علیه السلام، کورها شفا یافته و مریضها بهبود می یابند. ۱۲۲
- * در آن دوران، خداوند بیماری را از مؤمنین و شیعیان برداشته، قوّت و نیروی آنها را باز می گرداند. ۱۲۳
- * در زمان آن حضرت علیه السلام، عمرها بسیار طولانی می گردد، به گونه ای که برخی از افراد هزار فرزند خود را خواهند دید که این خود گزارشی از طول عمر است، خواه هزار نسل یا هزار فرزند به روال طبیعی. ۱۲۴

ایجاد امنیت

- * در زمان حکومت امام زمان علیه السلام امنیت در سرتاسر زمین تأمین می‌گردد. ۱۲۵
- * اشرار هلاک خواهند گردید. ۱۲۶
- * فتنه‌ها و غارتگریها نابود می‌شوند. ۱۲۷
- * در راهها امنیت شبانه‌روزی برقرار می‌شود. ۱۲۸
- * از جانب حیوانات موذی، درنده و وحشی، خطری انسانها و اموال آنها را تهدید نمی‌کند. ۱۲۹
- * بلایا از سرزمینها و بندگان الهی برداشته می‌شود. ۱۳۰

بهبود محاسن اخلاقی و قوه‌های عقلانی

- * با عنایت امام زمان علیه السلام، عقول افراد ترقی نموده و اخلاق آنها کامل می‌شود. ۱۳۱
- * قلوب مردم آکنده از غنا و بی‌نیازی می‌گردد. ۱۳۲
- * ریا از میان مردم رفته و امانت‌داری رایج می‌گردد. ۱۳۳
- * کوچک‌ترها به بزرگترها احترام گذاشته، و بزرگترها به کوچک‌ترها رحم می‌نمایند. ۱۳۴
- * ریشه‌های دروغ و تهمت قطع می‌گردد. ۱۳۵
- * در آن دوران، بین شیعیان، مزامله یعنی دوستی و صداقت واقعی مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که فرد بدون اجازه برادر ایمانی خود، از اموال وی به مقدار نیاز خود برداشته و منع نمی‌شود. ۱۳۶
- * هیچکس بر دیگری علو و برتری نمی‌ورزد. ۱۳۷

از بین رفتن اندوه، اختلاف و گرفتاری و نشر رأفت، رحمت، دوستی و اتحاد

- * به دست آن حضرت، بین قلوب و دلهای پراکنده،
الفت و اتحاد برقرار می‌گردد. ۱۳۸
- * به دست آن حضرت، دلهای کینه‌توز و مرده شفا یافته،
کینه و کدورت از دلها رخت بر می‌بندد. ۱۳۹
- * غم و اندوه به سبب آن حضرت برداشته می‌شود. ۱۴۰
- * مهربانی و رأفت در سرتاسر زمین، منتشر
می‌گردد. ۱۴۱

شادی همگانی از ظهور و حکومت

حضرت مهدی علیه السلام

- * روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، روز رهایی و نجات می باشد. ۱۴۲
- * آن حضرت علیه السلام، بهار مردمان و شادمانی ایام است. ۱۴۳
- * با ظهور امام زمان علیه السلام، کودکان آرمیده در گهواره، آرزوی یاری حضرتش را می نمایند. ۱۴۴
- * با ظهور آن حضرت علیه السلام، مردگان از مؤمنین شاد شده و یکدیگر را به ظهور، مژده می دهند. ۱۴۵
- * تمامی خیر و خوبیها در دوران حکومت امام زمان علیه السلام است. ۱۴۶
- * به واسطه خلافت او، اهل زمین و آسمان، پرندگان، وحوش و ماهیان دریا شاد می گردند. ۱۴۷
- * امت در زمان آن حضرت علیه السلام، به گونه ای زندگی می کنند که قبل از آن زیست نکرده اند. ۱۴۸
- * دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام به گونه ای است که زندگان تمنای زنده شدن مردگان را می نمایند تا از

نعمات آن دوران بهره‌مند شوند. ۱۴۹

* نام امام زمان علیه السلام بر سر زبانها می‌افتد و دیگر یادی از
غیر او به میان نمی‌آید. ۱۵۰

* امت به سوی آن حضرت پناه می‌گیرند. ۱۵۱

* پیران و جوانان کلام حضرتش را شنیده و از وی
اطاعت می‌نمایند. ۱۵۲

* به تعبیر ائمه علیهم السلام، خوشا به حال آن کس که ایام
حضرتش را درک نموده و کلامش را بشنود. ۱۵۳

نجوا با مولایمان حضرت مهدی علیه السلام

ای مهدی ای حماسه جاوید؛

چشمهای همه پاکان به راهت فرو هیخته تا تو از
راه رسی.

ای مهدی ای زورق نجات؛

جهان پر تلاطم است، کشتیها همه در هم شکسته اند،
جز سگان قلب شیفتگان که چشم به سوی تو دوخته اند
تا تو بیایی.

ای مهدی ای کرانه امید؛

دلها همه به تیرگی گراییده، یتیمان همه تنهایند، تا که
دست پر عطف تو بر سرها قرار گیرد.

ای مهدی ای ساحل آرامش؛

دلهای باورمندان در تب و تاب است تا تو به پاخیزی.
و ای مهدی ای صبح پیروزی؛

شب به درازا کشید و مردمان همه خفتند جز چشم
پر التهاب یاران که قیام پر شکوه تو را انتظار می کشند.

تو بیا تا شکوفه های امید دوباره بشکفند.

تو بیا تا کاسه‌های خون رنگ آلاله‌ها دوباره بخرند.
تو بیا تا بلبلان خوش الحان نغمه جان فزای روز
پیروزی را سردهند.

و تو بیا تا که سبزه‌زاران طراوت نو گیرند.

ای مهدی، ای چشمه سار فضیلت و ای بلندای نیکی
و ای صلای آزادی، ز پرده برون آی که جهان پر
ز غم شده.

ای مهدی، ای دست توانای یزدان، ذوالفقار بر دست
گیر که ستمگران مغرور شده‌اند.

ای مهدی ای خزانة دانش ایزدی، پرچم دانش را بر
افراز که جهل و نادانی جهان‌گیر شده‌است.

ای مهدی، ای چشم بیدار خدای منان، کشتی انسانها
به گل نشسته، تندباد توفنده روز قیامت را به نجات
بشریت بفرست.

ای مهدی، ای وارث علی علیه السلام، کاسه‌گذاری مردمان
تهی مانده، دگر بار نگین پادشاهی به مستمندان عطا کن.

ای مهدی، ای وارث یوسف صدیق، نومیدی همه
دلها را پر کرده، روح امید در کالبد مرده جهان بدم.

ای مهدی، ای مسیحا دم، بیماری و درماندگی همه

جاگیر شده، شفا و بهبودی بر بیماران ارزانی کن.
ای مهدی، ای وارث علوم رضوی، دانش حقیقی از
قلبها رخت بر بسته، تو تشنه کامان ناکام را سیراب کن.
و ای مهدی، ای بنده گرنشگر خدا، روح بندگی در
جهان مرده، روح ایمان را دوباره در دلها زنده کن.
ای خورشید تابناک تابه کی پرده نشینی.

ای ماه درخشنده شبهای تار، تابه کی در پس
تک ابرها نهانی.

ای بهار دوران تابه کی خوار و خسها مجلس آرای
سبزه زاران آند.

و ای شمشیر آخته یزدان تابه کی نابکاران
مطلق العنان آند.

آه ای قلم! چه می گویی؟! عنان سخن را برگیر که او
خود نیز چشم به راه است، ندای یار خواهی اش
قرنهاست که به گوش می رسد، اما جز اندک نیکان،
دیگران اجابتش نکرده اند، صدای پرطنین دعایش بر
فرج و گشایش صدها سال است که در گوشه و کنار بلند
است، اما آمین گویان راست کردار کمیاب.

این نوای اوست که در کنار خانه توحید، در لباسی

ناشناس ربّ البیت را می خواند و درخواست می کند که:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

خدایا آنچه را که به من وعده نمودی، برسان.

بیاییم با پیمان ولایت بر آستان ولایت مدارش، دست بیعت را به سویش دراز کنیم و با مدد خواهی از حضرت حقّ، زنگارهای پلیدی را از جان خویش بزداییم و قلب و جان را به نیوشیدن کلمات گهربار او و پدران پاکش صفا بخشیم و هر صبح و شام فَرَجِ حضرتش را از خدای متعال مسئلت کنیم و همیشه این دعا را از صمیم جان زمزمه کنیم که:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

بار الها در فرج و گشایش برای ولّیت شتاب کن.



پانوشت ۲

منابعی که با علامت "؛" از یکدیگر جدا شده‌اند، مدارک یک حدیث می‌باشند؛ اما منابعی که با علامت "/" از یکدیگر جدا شده‌اند روایاتی با مضامین مشابه می‌باشند.

۱- منتخب الاثر، صفحه ۱۷۱؛ به نقل از دلائل الامامة. نمونه‌هایی از بشارات انبیای پیشین در کتب تورات و انجیل در موارد ذیل قابل بررسی و مشاهده است:

الف- کتاب مزامیر داود، مزمور ۳۷، آیات ۱ الی ۳۹.

ب- کتاب مزامیر سلیمان، مزمور ۷۲، آیات ۷ الی ۱۸.

ج- کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱، آیات ۳ الی ۹.

د- کتاب دانیال نبی، باب ۱۲، آیات ۲ الی ۴ و ۱۰ الی ۱۳.

ه- انجیل متی، باب ۲۴، آیات ۳۴ الی ۵۱.

و- انجیل مرقس، باب ۱۳، آیات ۳۰ الی ۳۷.

ز- انجیل لوقا، باب ۱۲، آیات ۳۵ الی ۴۸.

ح- انجیل لوقا، باب ۲۱، آیات ۲۲ الی ۳۶.

۲- جهت اطلاع بیشتر، کتاب «المهدی علیه السلام عند اهل السنة» تألیف مهدی فقیه ایمانی چاپ مجمع جهانی اهل البيت علیهم السلام توصیه می‌گردد. در این کتاب، حدود ۷۰ کتاب از کتب اهل سنت که تمام کتاب یا بخشی از آن به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص یافته است، معرفی شده و متن کامل مربوط به آن حضرت علیه السلام آورده شده است.

۳- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۴۹.

۴- بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۱۰۲.

۵- غیبت نعمانی، صفحه ۱۹۴؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۳۶ / عقد الدرر، صفحه ۶۱ / بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۱۴۳ / مکیال المکارم، جلد ۲،

- ٦- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥١ / عقد الدرر، صفحة ٦٢.
- ٧- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١١٨.
- ٨- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٢٠.
- ٩- مسند احمد بن حنبل، جلد ٣، صفحة ٣٧ / بحار الانوار، جلد ٢٧، صفحة ٩٠ / منتخب الاثر، صفحة ٣١٠.
- ١٠- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥١.
- ١١- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٢ / بحار الانوار، جلد ٢٤، صفحة ١٦٥؛
تأويل الايات، جلد ١، صفحة ٣٤٣
- ١٢- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٤٦؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٣٨؛
كمال الدين، جلد ٢، صفحة ٦٤٦ - ٦٤٥؛ كافي، جلد ١، صفحة ٣٣٣؛
بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٩٠؛ مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٢٣٤؛
تفسير عياشي، جلد ١، صفحة ٦٤.
- ١٣- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٤٩.
- ١٤- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥.
- ١٥- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٢ - ٨١ / كمال الدين، جلد ٢، صفحة ١٦٦٨
تأويل الآيات، جلد ٢، صفحة ٦٦٢؛ تفسير برهان، جلد ٤، صفحة ٢٩١.
- ١٦- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٢٩٥ - ٢٩٤ به نقل از ارشاد.
- ١٧- بحار الانوار، جلد ٥٢؛ صفحة ٣٧٤ به نقل از كافي؛ مكيال المكارم، جلد ١،
صفحة ٢٨٤.
- ١٨- سورة اعراف، آية ٩٦ / سورة ابراهيم، آية ٤٨ / بحار الانوار، جلد ٧، صفحة ١١٠ / امالي صدوق، مجلس ٩٢، صفحة ٥٠٤؛ بحار الانوار، جلد ٢٣،
صفحة ١٢٨.
- ١٩- مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٤٦.
- ٢٠- بحار الانوار، جلد ٥٢؛ صفحة ٣٣٧ / عقد الدرر، صفحة ١٤٩ / معجم
احاديث امام مهدي عليه السلام، جلد ١، صفحة ٢٣٠ به نقل از صحيح مسلم.
- ٢١- عقد الدرر، صفحة ٤٤ - ٤٣ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣١٦

- به نقل از خصال؛ مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۰۱ / مکیال المکارم، جلد ۱،
صفحة ۲۴۷.
- ۲۲- سورة بقره، آیه ۲۶۱ / عقد الدرر، صفحه ۱۵۹ / الملاحم و الفتن، باب ۲۰۴،
صفحة ۹۷.
- ۲۳- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۱؛ مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۵۱ /
- ۲۴- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۰۶ - ۱۰۵ / البرهان فی علامات مهدی
آخر الزمان، صفحه ۸۳ / عقد الدرر، صفحه ۱۶۱ / مکیال المکارم، جلد ۱،
صفحة ۱۲۲.
- ۲۵- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۰۱ / عقد الدرر، صفحه ۴۰.
- ۲۶- عقد الدرر، صفحه ۱۶۷ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۲۰.
- ۲۷- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۹.
- ۲۸- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۰؛
مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۳۴ / عقد الدرر، صفحه ۱۷۱.
- ۲۹- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۰؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷
/ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۰ / مسند احمد بن حنبل، جلد ۳،
صفحة ۳۷.
- ۳۰- عقد الدرر، صفحه ۱۴۵ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۷۳.
- ۳۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۳؛ مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۹۴
به نقل از غیبت طوسی.
- ۳۲- عقد الدرر، صفحه ۱۴۹ / منتخب الاثر، صفحه ۱۵۷.
- ۳۳- تاریخ ما بعد الظهور، صفحه ۷۷۲.
- ۳۴- منتخب الاثر، صفحه ۱۵۷.
- ۳۵- اعلام الوری، صفحه ۴۶۳.
- ۳۶- منتخب الاثر، صفحه ۱۵۷.
- ۳۷- مصباح الزائر، صفحه ۲۱۹ - ۲۱۷ / احقاق الحق، جلد ۱۳، صفحه ۷۰
/ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۹۱ / بحار الانوار، جلد ۲۴، صفحه ۱۶۵
/ تأویل الآیات، جلد ۱، صفحه ۳۴۳.

٣٨ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٣٢ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٣٢
/ مكيال المكارم، جلد ٢، صفحة ٢٣ / بحار الانوار، جلد ٥١، صفحة ٥٤؛
تفسير عياشي، جلد ١، صفحة ١٩٩ / ينابيع المودة، صفحة ٤٤٥.

٣٩ - كافي، ج ١، صفحة ٤٣٢؛ الصراط المستقيم، جلد ٢، صفحة ٧٤؛ بحار الانوار،
جلد ٢٣، صفحة ٣١٨ / بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ٨٦ به نقل از
اختصاص.

٤٠ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٤٣ - ٣٤٢ به نقل از تفسير عياشي.

٤١ - بحار الانوار، جلد ٢٣، صفحة ٣١٨؛ كافي، ج ١، صفحة ٤٣٢ / بحار الانوار،
جلد ٥٣، صفحة ٣٤ - ٣٣ / احقاق الحق، جلد ١٣، صفحة ٣٤٣ / بحار الانوار،
جلد ٥٣، صفحة ٤ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٧٣ به نقل از تفسير
فراة كوفي / بحار الانوار، جلد ٥١، صفحة ٥٤.

٤٢ - بحار الانوار، جلد ٣٧، صفحة ١٩٢.

٤٣ - عقد الدرر، صفحة ١٥٦ / بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ٨٦ / بحار الانوار،
جلد ٥٢، صفحة ٢٨٥ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٦.

٤٤ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥ / بحار الانوار، جلد ٢٤، صفحة ١٦٥؛
تأويل الآيات، جلد ١، صفحة ٣٤٣ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٢٨٣ به
نقل از كمال الدين / كفاية الاثر، صفحة ١٩٢؛ بحار الانوار، جلد ٣٦، ص ٣٥.

٤٥ - نهج البلاغه فيض الاسلام، حكمت ٢٠٠، صفحة ١١٨٥ / بحار الانوار، جلد
٥١، صفحة ٥٤؛ منتخب الاثر، صفحة ١٧١ / امالي صدوق، مجلس ٩٢،
صفحة ٥٠٤؛ بحار الانوار، جلد ١٨، صفحة ٣٤١.

٤٦ - سورة انبياء، آية ١٥٥ / سورة اعراف، آية ١٢٨.

٤٧ - الملاحم و الفتن، صفحة ١٩٧ / كشف الغمة، جلد ٣، صفحة ٢٩٥؛
حلية الابرار، جلد ٢، صفحة ٧٢٥؛ بحار الانوار، جلد ٣٦، صفحة ٣٠١ - ٣٠٥
/ بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ٢٦ / بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ٣٤ - ٣٥
/ مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٣٤؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، ص ٣١٢ به نقل
از علل الشرايع / بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ١١٦.

٤٨ - بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ٩؛ مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٦٨ - ١٦٧

- / كفاية الاثر، صفحة ٤٣ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٠٥ - ٣٠٦
- / بحار الانوار، ج ١٠٢، صفحة ٢٤٦.
- ٤٩ - بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ١٨٧.
- ٥٠ - بحار الانوار، جلد ٥٢ / صفحة ٣٩٠ / بحار الانوار، ج ٥٢، صفحة ٣٨٩
- / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٩٠ / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ١١٥
- / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٤؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، ٣٣٩.
- ٥١ - بحار الانوار، جلد ١٠٢، صفحة ٦٧ / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٤٩
- / بحار الانوار، جلد ١٠٢، صفحة ١١٧ / بحار الانوار، جلد ٩٥، صفحة ٣٧٨.
- ٥٢ - مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٤؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٣٩ /
- مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٣؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٥
- به نقل از كمال الدين / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٨٩ / مكياال المكارم،
- جلد ١، صفحة ١٤٥ / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٦ / امالي صدوق،
- مجلس ٩٢، صفحة ٥٠٤؛ بحار الانوار، جلد ١٨، صفحة ٣٤١.
- ٥٣ - بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ١٨٧.
- ٥٤ - كمال الدين، جلد ١، صفحة ٣٧١؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢١
- / معجم احاديث امام مهدي عليه السلام، جلد ١، صفحة ١٣٦.
- ٥٥ - جمال الاسبوع، اعمال سرداب مطهر، دعای تعليمی حضرت رضا عليه السلام
- به يونس بن عبدالرحمن.
- ٥٦ - ينابيع المودة، صفحة ٤٠٦.
- ٥٧ - سورة قلم، آية ٤ / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٥؛ عقد الدرر، ص ٣١
- / اعلام الوري، صفحة ٢٩١ / منتخب الاثر، صفحة ١٨٣، به نقل از الملاحم
- و الفتن.
- ٥٨ - كفاية الاثر، صفحة ٤٣.
- ٥٩ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣١٩ / عقد الدرر، صفحة ٤١.
- ٦٠ - احقاق الحق، جلد ١٣، صفحة ٣٦٧.
- ٦١ - منتخب الاثر، صفحة ٣١١.
- ٦٢ - مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ١٠٤ / مكياال المكارم، جلد ١، صفحة ٩٥

/ منتخب الاثر، صفحة ٤٩١ / كمال الدين، جلد ٢، صفحة ٣٥١ - ٣٥٠؛
بحار الانوار، جلد ٥١، صفحة ٢٢٣ - ٢٢٤ / مكياى المكارم، جلد ١،
صفحة ١٠٢.

٦٣- كمال الدين، جلد ٢، صفحة ٤١١؛ منتخب الاثر، صفحة ١٨٣؛ بحار الانوار،
ج ٥١، صفحة ٧٣.

٦٤- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ١٠٣ و ١٠٢.

٦٥- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ١٠٣.

٦٦- بحار الانوار، جلد ٩٥، صفحة ٣٧٨ به نقل از بلد الامين.

٦٧- الخرائج، جلد ٢، صفحة ٩٣١ - ٩٣٠.

٦٨- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٨؛ كمال الدين، جلد ٢، صفحة ٦٧٤.

٦٩- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٤ / الخرائج، جلد ٢، صفحة ٩٣١ - ٩٣٠
/ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٢٨٣.

٧٠- اثبات الهداة، جلد ٧، صفحة ٣٥٧؛ مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ١٦٧.

٧١- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٢٠٤ و ٢٠٦ و ٢٠٨ / بحار الانوار، جلد ٥٢،
صفحة ٣٢٥ - ٣٢٤ به نقل از كمال الدين.

٧٢- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ١٨١.

٧٣- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٢٢٣ - ٢٢٤.

٧٤- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٢١٤.

٧٥- بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٢ به نقل از كمال الدين؛ منتخب الاثر،
صفحة ٢٢١؛ مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٢٧.

٧٦- مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٣٤ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٢٨٣
/ كمال الدين، جلد ٢، صفحة ٣٦٩؛ بحار الانوار، جلد ٥١، صفحة ١٥٠.

٧٧- بحار الانوار، جلد ٥٣، صفحة ١٤ / البرهان فى علامات مهدي
آخر الزمان عليه السلام، صفحة ٧٧ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٦ به نقل از

كمال الدين؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٨ - ٣٢٩ به نقل از
كامل الزيارات؛ مكياى المكارم، جلد ١، صفحة ٧٣ - ٧٤ / مكياى المكارم،

جلد ١، صفحة ٢٩ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥٦ / بحار الانوار،

- جلد ۵۳، صفحه ۸۷ / بحار الانوار، ج ۱۹، صفحه ۲۸۴؛ تفسیر عیاشی،
جلد ۱، صفحه ۱۹۷؛ تفسیر البرهان، ۱، صفحه ۳۱۳ / غیبت نعمانی،
ص ۵۶ / امالی صدوق، مجلس ۹۲، صفحه ۵۰۴.
- ۷۸- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۸۶ - ۲۸۵ به نقل از کمال‌الدین
/ بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۸ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۹۵.
- ۷۹- بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۸ و ۱۴ / بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۳۵
/ بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۸۷ به نقل از اختصاص.
- ۸۰- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۳ به نقل از تفسیر عیاشی / غیبت نعمانی،
صفحه ۶ - ۵؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۸ - ۳۴۷ / المحجّة فیما نزل
فی القائم الحجّة علیّه، صفحه ۱۱۵ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۷۱ و ۱۹۸.
- ۸۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۶۰ به نقل از غیبت نعمانی / يوم الخلاص،
صفحه ۲۸۸ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۴۱ / بحار الانوار، جلد ۵۲،
صفحه ۳۲۸ به نقل از کامل الزیارات / بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۱۳۵
/ بحار الانوار، جلد ۷۸، صفحه ۳۹۱.
- ۸۲- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۸۵ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۱؛
مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۹۹.
- ۸۳- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۹۴ - ۲۹۳.
- ۸۴- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۴ به نقل از کمال‌الدین / بحار الانوار،
جلد ۵۲، صفحه ۳۸۸.
- ۸۵- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۴.
- ۸۶- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۸۳ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۸
به نقل از کامل الزیارات.
- ۸۷- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵.
- ۸۸- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵؛
- ۸۹- البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان، باب ۵ / مکیال المکارم، جلد ۱،
صفحه ۶۵
- ۹۰- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۶۵.

- ٩١ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ٩٢ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٥ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣١١
به نقل از عيون اخبار الرضا.
- ٩٣ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ٩٤ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ٩٥ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٢٨٣ به نقل از كمال الدين.
- ٩٦ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ٩٧ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ٩٨ - بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٧٢ به نقل از اختصاص.
- ٩٩ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٨؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٧
به نقل از كمال الدين.
- ١٠٠ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٨ / بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٧
به نقل از كمال الدين.
- ١٠١ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٨ به نقل از بصائر الدرجات؛
بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣١٨.
- ١٠٢ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٦٥.
- ١٠٣ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٤ / الملاحم و الفتن، صفحة ٢٥٥
/ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٤٥ / مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٢٣٥.
- ١٠٤ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٢٣٦ - ٢٣٥.
- ١٠٥ - الملاحم و الفتن، صفحة ٢٥٥.
- ١٠٦ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١٤٤ / حلية الابرار، جلد ٢، صفحة ٦٣٥
به نقل از دلائل الامامة / دلائل الامامة، صفحة ٢٤١.
- ١٠٧ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١١٧؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٧
به نقل از كمال الدين.
- ١٠٨ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ١١٧؛ بحار الانوار، جلد ٥٢، صفحة ٣٢٧
به نقل از كمال الدين.
- ١٠٩ - مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٢٧٩.

- ۱۱۰ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۴.
- ۱۱۱ - عقد الدرر، صفحه ۱۵۷ و ۲۳۵ / امالی صدوق، مجلس ۳۹، صفحه ۱۸۱.
- ۱۱۲ - بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۹۲ - ۹۱ به نقل از غیبت طوسی / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۱۳.
- ۱۱۳ - منتخب الاثر، صفحه ۴۶۹؛ الملاحم و الفتن، صفحه ۱۴۹ / عقد الدرر، صفحه ۹۶.
- ۱۱۴ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۳۵ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۶.
- ۱۱۵ - بحار الانوار، جلد ۳۶، صفحه ۲۵۳.
- ۱۱۶ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۳۶؛ بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۸۶ به نقل از اختصاص.
- ۱۱۷ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹.
- ۱۱۸ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۲؛ مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۰۵.
- ۱۱۹ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۱ به نقل از بصائر الدرجات و اختصاص.
- ۱۲۰ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۸؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۶.
- ۱۲۱ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۸؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۲.
- ۱۲۲ - بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۷۰.
- ۱۲۳ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۶۴ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۴۷ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۵.
- ۱۲۴ - عقد الدرر، صفحه ۱۵۹ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۰۳؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰ به نقل از غیبت طوسی / حلیة الابرار، جلد ۲، صفحه ۶۳۵ به نقل از دلائل الامامة / الملاحم و الفتن، باب ۲۰۴، صفحه ۹۷.
- ۱۲۵ - ینابيع المودة، صفحه ۴۰۶ / سورة نور، آیه ۵۵ / معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، جلد ۱، صفحه ۵۴۸.
- ۱۲۶ - عقد الدرر، صفحه ۱۹۵.
- ۱۲۷ - منتخب الاثر، صفحه ۱۵۷.
- ۱۲۸ - سورة سبأ، آیه ۱۸ / مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۴۶ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۸؛ مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۴۶ / بحار الانوار،

۱۲۹ - الملاحم و الفتن، باب ۲۰۴، صفحه ۹۷ / معجم احاديث امام مهدي عليه السلام،
جلد ۱، صفحه ۵۴۸ / حلية الابرار، جلد ۲، صفحه ۶۳۵ به نقل از
دلایل الامامة / بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۸۶؛ مكيال المكارم، جلد ۱،
صفحة ۲۴۷ / بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۸۵ / عقد الدرر، ص ۱۵۹
/ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۱۶؛ مكيال المكارم، جلد ۱، ص ۱۰۱.

۱۳۰ - الخرائج، جلد ۲، صفحه ۹۳۱.

۱۳۱ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۶ و ۳۲۸.

۱۳۲ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷ / عقد الدرر، صفحه ۱۶۹ / مسند
احمد بن حنبل، جلد ۳، صفحه ۳۷.

۱۳۳ - عقد الدرر، صفحه ۱۵۹.

۱۳۴ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۸۵.

۱۳۵ - مصباح الزائر، صفحه ۲۱۹ - ۲۱۷.

۱۳۶ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۷۲.

۱۳۷ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۸۵.

۱۳۸ - مكيال المكارم، جلد ۱، صفحه ۵۲ / بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۷.

۱۳۹ - كفاية الاثر، صفحه ۷۳ - ۷۲؛ بحار الانوار، جلد ۲۶، صفحه ۳۰۳ - ۳۰۲

/ كمال الدين، جلد ۱، صفحه ۲۵۲ / بحار الانوار، جلد ۲۱، صفحه ۳۱۲

/ بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۷.

۱۴۰ - مكيال المكارم، جلد ۱، صفحه ۱۱۶؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۲۹

/ مكيال المكارم، جلد ۱، صفحه ۱۴۲؛ بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۲۹

/ بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۱۰۲ / مصباح الزائر، صفحه ۲۱۹ - ۲۱۷.

۱۴۱ - اقبال الاعمال، صفحه ۵۰۷؛ بحار الانوار، جلد ۲۱، صفحه ۳۱۲.

۱۴۲ - يوم الخلاص، صفحه ۲۸۰.

۱۴۳ - بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۱۰۱ / مصباح الزائر، صفحه ۲۱۹ - ۲۱۷.

۱۴۴ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵.

۱۴۵ - مكيال المكارم، جلد ۱، صفحه ۲۴۷ و ۲۳۹ / بحار الانوار، جلد ۵۲،

صفحة ٣٢٨ به نقل از كامل الزيارات / اعلام الوري، صفحة ٤٦٥.

١٤٦ - بشارة الاسلام، صفحة ٨١.

١٤٧ - عقد الدرر، صفحة ١٣٦؛ البرهان في علامات مهدي آخر الزمان عليه السلام،

صفحة ٧٧ / مكيال المكارم، جلد ١، صفحة ٨٥ / عقد الدرر، صفحة ٣٤.

١٤٨ - البرهان في علامات مهدي آخر الزمان عليه السلام، صفحة ٨٦.

١٤٩ - عقد الدرر، صفحة ٤٤.

١٥٠ - بشارة الاسلام، صفحة ٧٦ / عقد الدرر، صفحة ٥٢.

١٥١ - عقد الدرر، صفحة ١٦٧ / الملاحم و الفتن، صفحة ٧٥؛ منتخب الاثر،

صفحة ٤٧٨.

١٥٢ - منتخب الاثر، صفحة ١٥٧؛ ينابيع المودة، صفحة ٤٦٧.

١٥٣ - يوم الخلاص، صفحة ٣٧٤.